

## تحلیل کارکرد سه‌گانه‌ی کارپمن در شعر روایی فروغ

فرخزاد

\*محمود گرجی [Gorji.1352@gmail.com](mailto:Gorji.1352@gmail.com)

\*\*محمدرضا حسنی جلیلیان [jalilian.m@lu.ac.ir](mailto:jalilian.m@lu.ac.ir) (نویسنده مسئول)\*

\*\*\*علی نوری [noori.a@lu.ac.ir](mailto:noori.a@lu.ac.ir)

### چکیده

نخستین بار «استفان کارپمن»، روان‌شناس امریکایی، «شرور، قربانی و قهرمان» را به‌عنوان سه نقش اصلی هر فرد در جامعه معرفی کرد. این نظریه، که سپس به ادبیات، نقد روان‌کاوانه و تحلیل ساختار روایت‌های ادبی نیز راه یافت، به «مثلث کارپمن» معروف شده است. حضور شخصیت‌های مثلث کارپمن در ساختار روایت و بسیاری از قصه‌ها، داستان‌ها و افسانه‌ها، از مهم‌ترین عوامل گیرایی آنها است؛ براساس نظریه‌ی کارپمن، این سه نقش، در داستان زندگی هر فردی دیده می‌شود، افراد، در هر سه نقش، جابه‌جا می‌شوند، نقش‌ها، لزوماً پدیده‌هایی انسانی نیستند، و «قربانی»، محور اصلی روایت است. پیرامون شعر و زندگی فروغ فرخزاد، شاعر مطرح معاصر نیز مباحث فراوانی مطرح شده است. از آنجا که ردپای شخصیت‌های مثلث کارپمن در اشعار روایی فروغ، دیده می‌شود، مسأله این تحقیق، بررسی چگونگی این حضور، و تبیین روان‌شناختی آن است. از این رو، با هدف تبیین کارکردهای مثلث کارپمن در اشعار روایی این شاعر، برخی از مهم‌ترین آثار او به روش توصیفی تحلیلی بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: در اشعار روایی فروغ، نقش قربانی از دو نقش دیگر برجسته‌تر است. همچنین به‌نظر می‌رسد فروغ به‌رغم تظاهر به گریز از نقش قربانی، از پذیرش این نقش راضی است. این رضایت ممکن است برخاسته از برجستگی شاخصه «زنانگی» باشد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات روایی، سه‌گانه‌ی کارپمن، فروغ فرخزاد.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

نقد روان‌کاوانه، یکی از راه‌های تحلیل روان‌شناختی «شخصیت» و رخدادهای داستان در آثار ادبی است. منتقدان برآنند که در این نوع نقد، طرح موضوع‌ها در قالب روایت، داستان، قصه و افسانه، گیراتر و در ذهن ماندگارتر است. ماندگاری «روایت» در ذهن، شاید ناشی از «ساختار» این قالب و پرداخت «شخصیت» باشد. به‌طور عام، در هر داستان، سه عامل یا شخصیت «شروور، قربانی و قهرمان» دیده می‌شود. این سه‌گانه را نخست، استفان کارپمن (Stephen Karpman)، در دهه‌ی ۱۹۶۰ معرفی کرد؛ سه‌گانه‌ای که «مثلث کارپمن»، و «مثلث شرم» نیز خوانده می‌شود. تحلیل روان‌شناسانه‌ی اشعار روایی فروغ فرخزاد، وجود این سه‌گانه، جابه‌جایی نقش‌ها و ویژگی‌های دیگر آن را نشان می‌دهد.

از آنجا که فروغ فرخزاد، شاعری برجسته، پیشرو و اثرگذار در ادبیات معاصر ایران است، نشان‌دادن توجه او به نقش‌های سه‌گانه‌ی مثلث کارپمن و سطح بهره‌گیری شاعر از آنها سودمند و ضروری است. پرسش از امکان یا امتناع حضور سه‌گانه‌ی کارپمن در اشعار روایی فروغ، چگونگی روایت او از «شخصیت»، واکاوی نقش‌ها، و ارزیابی کنش هنری فروغ در نقش‌های سه‌گانه مسأله‌ی اصلی این پژوهش است. بر همین اساس، می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱- بود و نمود سه‌گانه‌ی کارپمن (شروور، قربانی، قهرمان) در اشعار روایی فروغ فرخزاد چگونه است؟

۲- فروغ فرخزاد این سه شخصیت را چگونه روایت کرده است؟

۳- فروغ فرخزاد در کدام موضع از این سه‌گانه قرار دارد و بیشتر چه نقشی پذیرفته است؟

۴- نسبت «زنانگی» با پذیرش خودآگاه نقش «قربانی» در اشعار روایی فروغ چگونه است؟

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای، انجام گرفته‌است و پژوهشگران کوشیده‌اند با خوانش مستقیم اشعار روایی فروغ فرخزاد، و بررسی و تحلیل براساس نظریه‌ی مثلث کارپمن، به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهند.

## ۳. پیشینه‌ی پژوهش

موضوع مثلث کارپمن، پیش از آنکه ادبی باشد، روان‌شناختی است. پیش از کارپمن، استاد او، اریک برن (۱۹۶۴)، در کتاب *بازیها؛ تحلیل روابط انسانی*، با طرح نظریه‌ی سه‌گانه‌ی والد، بالغ، کودک، به تحلیل و تفسیر رفتارهای متقابل انسان در موقعیت‌های مختلف پرداخت، و آن را یک بازی روان‌شناختی خواند. ون جونز، و یان استوارت (۱۴۰۴) هم، متأثر از برن، در کتاب *تحلیل رفتار متقابل؛ تأملی در روان‌شناسی تجربی*، الگویی برای درک شخصیت و روابط انسانی، و چرایی بروز رفتارها از منظر روان‌درمانی و مشاوره، مطرح و معرفی کرده‌اند. سعیده محمودی (۱۴۰۰) در کتاب *من ناجی تو هستم*، با تکیه بر الگوی کارپمن، کوشیده‌است روابط افراد در زندگی اجتماعی، به‌ویژه رابطه‌ی زوج‌های جوان، را بهتر کند. هدی فرح‌پور (۱۴۰۰) هم در *من ناجی تو هستم* (رهایی از بازی قربانی‌شدن در زندگی و مثلث کارپمن) با رویکردی روان‌شناختی، رفتار متقابل افراد در زندگی زناشویی را تحلیل، و پس از تبیین جابه‌جایی نقش‌های سه‌گانه، راهبردهای مقابله با مثلث و خروج از آن را معرفی کرده است. سعیده صمیمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «واکاوی شخصیت طوبا در رمان طوبا و معنای شب، اثر شهرنوش پارس‌پور» بر مبنای مثلث کارپمن، کوشیده‌است شخصیت اصلی داستان، طوبا، را براساس مثلث کارپمن تحلیل کند. علی صاحبی (۱۳۷۹) هم در کتاب *انسان و انتخاب دشوار (مسئولیت‌پذیری یا مسئولیت‌گریزی): فرایند رهایی از چرخه قربانی‌گری و ورود به دایره توانمندی‌های خود*، صرفاً موضوع «بازی قربانی» (یکی از سه ضلع مثلث کارپمن) را از منظر روان‌شناسی بررسی کرده‌است. در این کتاب، ابتدا مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر سرزنش‌گری شرح، و سپس راه‌های رهایی از این الگوی مسلط و ایجاد الگوی جایگزین مبتنی بر مسئولیت‌پذیری معرفی شده است. نوشین طالب‌زاده و سعید حسام‌پور (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «بررسی و تحلیل شخصیت زن در اشعار داستانی فروغ فرخ‌زاد با تکیه بر تأثیر و تأثر دیدگاه جامعه‌شناختی شاعر»، ضمن پرداختن به شخصیت زن و تحولات فکری زنان در اشعار داستانی فروغ، کوشیده‌اند مفهوم گذار زنان جامعه سنتی به مدرن در زمان شاعر را نشان دهند. سیروس شمیسا (۱۳۷۴) در در مقدمه‌ی کتاب «نگاهی به فروغ فرخزاد»، زاویه‌ی بررسی اشعار فروغ در آن کتاب را روشن کرده و نوشته است: «در این کتاب هم مانند کتاب سپهری، عمدتاً تمام چند شعر را سطر به سطر معنی‌کنم. همچنین طبق معمول به بحث‌های بلاغی و عروضی پرداخته‌ام». محمد حقوقی (۱۴۰۳) هم در کتاب «فروغ فرخزاد، شعر زمان ما - ۴»، به بررسی موفق‌ترین اشعار دفترهای شعر او پرداخته و ضمن بررسی مفاهیم و واژه‌های پربسامد شعر فروغ،